

گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم سینمایی «لاله کبود»

انتقام با دست‌های خالی یا پر؟

فرار می‌کرد، بنابراین تصمیم گرفتم تا زمانی که خودم این توانایی را نداشته باشم که بتوانم کار تهیه این فیلم را بر عهده بگیرم و با پول خودم کار را بسازم صبر کنم. البته تهیه‌کنندگی کار به صورت ۵۰-۵۰ بود و در میانه کار شرکتی آمد و در ۵۰ درصد فیلم شریک شد. آقای محمد کشمیری مجری طرح و سرمایه‌گذار ۵۰ درصد فیلم هستند که در آن مقطع خیلی کمک کردند و زحمت کشیدند و در واقع در میانه‌ی راه به کار مقداری پول تزریق کردند که توانستیم فیلم را ادامه بدهیم.

نماهایی که در فیلم استفاده شده بیشتر لانگ شات هستند. به طور کلی انتخاب نوع نما و قاب بندی‌های شما بر چه اساس است؟
در فیلم‌های قبلی‌ام تجربه گرفتن نماهای بلند و لانگ شات را داشته‌ام اما در «لاله کبود» با آماده شدن فیلمنامه و شناختی که از فضا داشتم و بعد از تجربه ساختن شش فیلم دیگر کاملاً می‌دانستم که در این فیلم چه می‌خواهم. در حالی که با شرایط امروز سینمای ما یک فیلم را در لانگ شات ساختن کار آسانی نیست و خطرناک است. همانطور که می‌بینید قاب‌ها و نماها همه ثابت‌اند و گاهی دوربین حرکت آرامی دارد که با کمک دانش و شناخت مدیر فیلمبرداری فیلم منصور عبد رضایی توانستیم به این فضا برسیم. البته صحبت کار تدوین و صدا و رنگ بماند برای فرصتی دیگر.

از موانعی که برای اکران داشتید بگویید.
مادر شرایط سخت و ملتهد یک دروه اجتماعی این فیلم را ساختیم و بازتاب آن در لایه‌های فیلم دیده می‌شود.

سخن پایانی
باید از همه عوامل فیلم تشکر ویژه‌ای کنم که تک‌تک آنها همراه من و همراه فیلم بودند و یادی کنم از خاطره دو دوست و همکارم یعنی مازیار شیخ محبوبی و علی غرابی طهرانی صداپردار و صداگذار که در این فیلم با ما همراه بودند و متأسفانه سال گذشته از دستشان دادیم.

محسن غفاری بازیگر:

لاله کبود در مسیر کاری‌ام جرقه تازه‌ای خواهد زد

چگونه وارد حرفه بازیگری شدید؟
من بازیگری را اولین بار با بازی در یک نقش کوتاه در سریال «زمین گرم» از آقای سعید نعمت‌الله شروع کردم. بعد با بازی در چند تئاتر در

روی کاغذ و در ذهنم وقت زیادی می‌گذارم و بعد به فیلم‌هایی که در زندگی روی من اثر گذاشته‌اند، به عکس‌ها، آوازها و فضاها بر می‌گردم. می‌روم بارها لوکیشن‌ها و فضاها را در فصل‌های مختلف می‌بینم. سینمای وسترن «هاوارد هاگس» و «آنتونی مان» و چند فیلم‌ساز دیگر روی من تأثیر گذاشته است. از طرفی هم سینمای مدرن «روبر برسون» و «آنتونیونی» و همینطور سینمای نوآر «ژان پیر ملویل» و فیلم‌های موج نوی سینمای ایران و حتی بعضی از فیلم‌های تجاری خوب.

در مورد انتخاب لوکیشن و نقش گیاهان خود رو و کشت و کاری که در لوکیشن‌های منتخب شما وجود دارد بگویید.

انتخاب ایستگاه و ریل خط راه آهن و قطار در فیلم‌های قبلی‌ام نیز در حد چند نما وجود دارد. اما در «لاله کبود» تفاوت می‌کند و این کافه‌ی کنار ریل قطار و آن زن با آن پوشش و لباس و دو بازیگر دیگر فیلم همه باید در این فضا، نور و مرغ زارهای حاشیه شهر جامی افتادند تا جایی که ما به این رنگ آمیزی و قاب‌های لانگ شات برسیم و از نگاه زیبایی‌شناسی از میان این منظره، آب و علف و قطارهایی که می‌روند شهر را در دور دست ببینیم.

انتخاب بازیگران به چه شکل انجام شد؟

در سینمای مستقل با تأمین بودجه اندک برای اینگونه فیلم‌ها، جایی برای بازیگران سینمای گیشه پسند وجود ندارد. در فیلم‌های قبلی‌ام اگر بازیگری معرفی و شناخته شده پیش از آن چندان مطرح نبوده و دستمزدش نیز ناچیز بوده است. من سعی می‌کنم مناسب با هر فیلم از چهره‌های تازه‌تری استفاده کنم که شناخته شده و به فکر دیده شدن در گیشه سینمای ابتدال نباشند. هر چقدر بازیگر خام‌تر باشد هدایت او مقابل دوربین آسان‌تر است. سبک کارم بازیگر محور نیست و این فضای فیلم است که او را پیش می‌برد. تا چند روز مانده به فیلمبرداری حتی فیلمنامه‌ای به بازیگران نمی‌دهم فقط قبل از جلوی دوربین رفتن ماجرا را یکبار برایشان تعریف می‌کنم.

نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده یک فیلم بودن سنگین و چالش برانگیز است اما در جایی گفتید که برای ساخت این فیلم منتظر زمانی بودید که خودتان بتوانید تهیه‌کننده و سرمایه‌گذارش باشید.

خب بسیار دشوار است که وظیفه کار تهیه‌کننده را هم به عهده بگیرم و حواست باید به زمین و آسمان باشد. البته باید برای این فیلم این ریسک را می‌کردم. هر بار که نوشته‌هایم را پیش رویم می‌گذاشتم از شروع ساختنش منصرف می‌شدم چرا که اگر مقابل تهیه‌کننده‌ای می‌گذاشتمش احتمالاً

فیلم سینمایی «لاله کبود» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مهرشاد کارخانی که این روزها در بخش هنر و تجربه در حال اکران است با نگاهی متفاوت به قصه یک انتقام‌گیری می‌پردازد. بغما و پروا در مسیر این انتقام با مهتاب زنی که کافه‌ای در کنار ریل قطار را می‌گرداند آشنا می‌شوند که این آشنایی سبب‌ساز تحولاتی خواهد شد. نقش‌های اصلی این فیلم را مهتاب نویدی، شکیلا سماواتی و محسن غفاری بازی می‌کنند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با این بازیگران و کارگردان اثر را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت‌وگو

مهرشاد کارخانی کارگردان:

سبک کارم بازیگر محور نیست

ایده فیلمنامه «لاله کبود» چگونه شکل گرفت؟
ایده اولیه و یک خطی فیلم‌هایم از سینما و عکاسی و نگاهم از گذشته می‌آیند و به زمان حال پیوند می‌خورند، در «لاله کبود» هم همینطور است. **آیا نامگذاری فیلم به ویژگی خاصی از این گل برمی‌گردد؟**
اساساً علت این نامگذاری چه بوده؟
نام فیلم همیشه برایم اهمیت بالایی داشته و حتماً دلیلی برای انتخاب این نام داشته‌ام. اما همین که برای تماشاگر سوال ایجاد کند برایم کافی است.

کاراکترهای این فیلم همگی زندگی پرچالشی را تجربه کرده‌اند و شاید در مقطعی از زندگی خودشان ضد قهرمان بوده‌اند. می‌توان گفت که کاراکترها به شدت خاکستری هستند؟ اصولاً کاراکتر پردازی در آثار شما چه مولفه‌هایی را دنبال می‌کند؟
ما در جامعه‌ای خشن زندگی می‌کنیم که هر ساعت و روز آن پرچالش و پرخطر است و اتفاق‌ها تمامی ندارند. تعریف اینکه در فیلم‌هایم چه مولفه‌هایی را دنبال می‌کنم و یا تعریف من از ضد قهرمان و یا اینکه آیا این کاراکترها خاکستری هستند شاید در این گفت‌وگوی کوتاه امکان پذیر نباشد.

انتخاب و طراحی لباس‌ها و رنگ و نور کار یادآور فضایی وسترن اما مدرن است در توضیح این موضوع اگر نکته‌ای است بفرمایید.
قبل از شروع فیلمبرداری هر فیلم برای کامل شدن طرح و فیلمنامه

